

متن پرسش

سلام علیکم: پیرامون پاسخ شما درباره امید دانا از منظر شما که مداما به حمایت این هتاک از مقام رهبری اشاره می‌کنید باید گفت که دقیقن نگاهی مانند مسیحیان به این مقوله دارید که با حمایت از رهبری گناه گذشته و حال و آینده فرد به مانند مسیحیان با ایمان به حضرت عیسی بخشوده می‌شود. از نگاه شهید حاج قاسم سلیمانی فرمودید، من ندیدم در جایی که شهید حاج قاسم چنین منظری نسبت به لات مجازی ای که بر سر موضع گذشته خود مانده و به آن هم افتخار می‌کند. نسبت تحجر به بنده زدید که بیشتر لایق شخص خودتان هست که از مبانی اسلام قدم پس کشیده و به تفکر مسیحیت رسیده اید اگر قرار نیست پشت امید دانای ناصبی نماز بخوانیم حمایت از او هم لازم نیست. افرادی که از نظام فاصله گرفته اند نتیجه اعمال شما و امثال شماست که لباس روحانیت بر تن دارید و خارج موازین اسلامی و شیعه، پاسخی غیر واقع می‌دهید نه بنده که بی ادعا هستم. امید دانای ناصبی و تند روی ذرشتنی نان چاپلوسی و هتاک‌ی خود را می‌خورد شما چطور؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بنده افتخار داشتن لباس روحانیت به تن ندارم ولی اجازه بدهید که در این مورد با شما تفاوت نظر داشته باشم. در این مورد عرایضی شده است که عینا خدمتتان ارسال می‌شود. موفق باشید

جایگاه تمدن نوین اسلامی در این تاریخ

باسمه تعالی

در طلیعه‌ی حضور تاریخی هستیم که از یک طرف در افق خود نظر به تمدن اسلامی داریم و در جستجوی مبانی الهیاتی آن باید بود و از طرف دیگر در جهانی باید حاضر بود که در مواجهه با تمدن غربی است و در صدد گشودن راهی هستیم که در عین حضور تمدنی در این تاریخ از هویت قدسی خود، غفلت ننماییم و نیز در جهان خود جایگاه سایر افکار و ادیان و عقاید روشن گردد تا آن‌ها نیز تکلیف خود را با تمدنی که تحت عنوان تمدن نوین اسلامی در پیش است، روشن بدانند. با توجه به چنین نکاتی نظر عزیزان را به موارد زیر جلب می‌نمایم:

با توجه به امر فوق بنا بر این است که خرد جدید را بفهمیم که مبتنی بر نظام معرفتی خاص خود می‌باشد که چندان شبیه و نزدیک به زیست جهان گذشته‌ی ما نیست و به یک معنا در آن خرد جدید نحوه‌ای از جهانی‌شدن بشر به میان آمده است.

۶. رهبر معظم انقلاب «حفظه‌الله» در توصیف حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» نسبت به مواجهه‌ی ایشان با خرد مدرن می‌فرمایند: «یک نمونه‌ی دیگر از این تحوّل - در حضرت امام- در نگاه به دین و مسائل دینی، پافشاری بر تعبد بود، در عین نگاه نوگرایانه به مسائل؛ یعنی امام، یک فقیه نوگرا، یک روحانی نوگرا بود؛ به مسائل با چشم نوگرایانه نگاه می‌کرد؛ در عین حال به شدت پابند به تعبد.» (۱۴/۳/۹۹)

۷. انقلاب اسلامی به عنوان یک موجود زنده مانند خود اسلام، مراحلی دارد، مثل آن که در قرآن داریم: «الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَ طَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلْلٌ لَكُمْ وَ طَعَامُكُمْ حَلْلٌ لَهُمْ وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ» (مائده/۵) و این بدان معناست که وقتی شرایط، تاریخی تغییر کند نحوه‌ی حضور اسلام بین ملل و جوامع نیز تغییر می‌کند در آن حدّ که تا دیروز ازدواج با زنان اهل کتاب را ممنوع کرده بود و امروز ازدواج با آنها را بدون آن که لازم باشد مسلمان شوند، اجازه می‌دهد. زیرا سیطره‌ی فرهنگی اسلام پس از یازده سال آن‌چنان قدرتمند شده است که نه تنها هضم فرهنگ یهود و نصارا نمی‌شود، بلکه آنها را در خود هضم می‌کند بدون آن که نیاز باشد آنها دین خود را تغییر دهند.

۸. رهبر معظم انقلاب «حفظه‌الله» در پیام خود به امام جمعه‌ی هرمزگان می‌فرمایند: «... تقویت جریان انقلابی و جوانان مؤمن و روی گشاده و دست مهربان با عموم طبقات، توصیه‌ی مؤکد اینجانب است.» (۲۶ تیرماه ۹۸). ملاحظه می‌فرمایید که انقلاب در شرایطی قرار دارد که علاوه بر نظر به جریان انقلابی و جوانان مؤمن، به عموم مردم که جدای از جریان انقلابی و جوانان مؤمن هستند، رویی گشاده و دست مهربانانه دراز می‌کند تا آنها را در برگیرد، زیرا بحمدالله در شرایط تاریخی گشوده‌ای حاضر شده است تا بقیه را نیز از آن خود کند.

۹. خرد جدید با نظر به جهانی‌شدن انسان، به یک معنا هجرت از اخلاق فردی به اخلاق اجتماعی است و دغدغه‌ی اصلاح اجتماع را به جای تأکید بر اصلاح فرد به میان می‌آورد و ما با انقلاب اسلامی و تأکید بر ساختن اجتماع دینی با دغدغه‌های خاصی روبه‌رو هستیم، شبیه دغدغه‌های هگل و هایدگر در ساختن اجتماعی که در عین مدرن بودن، مذهبی باشد. هگل با روبه‌روشدن با تاریخ و خرد مدرن سعی دارد با مدّ نظر قرارداد خرد مدرن، راه کارهای حفظ هویت دینی را پایه‌ریزی کند و در این رابطه قانون را به جای اخلاق می‌گذارد، با این رویکرد که انسان مدرن با رعایت قانون احساس کند کاری اخلاقی انجام می‌دهد.

۱۰. تنگ‌نظری در هرجایی باشد، به‌خصوص در جریان مذهبی‌ها، ریشه در متوقف‌شدن آن‌ها در مفاهیم دینی دارد و برعکس، انسان‌ها با نظر به حقایق قدسی سعه‌ی صدر پیدا می‌کنند. رهبر معظم انقلاب «حفظه‌الله» در خاطرات خود می‌فرماید:

«یکی از کمونیست‌ها را به سلول ما آوردند، در حالی‌که بنده در حال نماز بودم چون لباس سفیدی را به صورت عمامه به سر داشتم و به جای عبا یک پتو به دوشم بود، هرکس مرا در تاریکی سلول می‌دید تصور می‌کرد من لباس روحانی به تن دارم. همین‌که آن فرد با بنده روبه‌رو شد چهره‌اش در هم رفت و غمگین و افسرده به گوشه‌ی سلول خزید. من به او نزدیک شدم و کوشیدم با او نیز مانند سایر زندانیان جدیدالورود رفتار کنم و افسردگی‌اش را بزدایم. به او گفتم: شما گرسنه‌اید یا تشنه؟ اما اخم از چهره‌اش کنار نرفت، با دست به مالش‌دادن شانه‌ها و سر و گردنش پرداختم، سعی کرد از پاسخ‌دادن به هر سؤال خودداری کند. من عادت داشتم مقداری از غذای افطار را نگه دارم، به او نان و قدری مربا دادم، حاضر نشد بخورد. بالاخره به زور به او غذا خوراندم و آب نوشاندم چون می‌دانستم پس از دستگیری‌اش غذایی نخورده و چه بسا کتک هم خورده باشد. قدری چهره‌اش باز شد. جهت‌مراعات او نماز عشا‌ی خود را به تأخیر انداختم. صحبت با او را ادامه دادم. چون گمان می‌کرد من می‌خواهم او را به صفوف اسلام‌گرایان جذب کنم، سرش را بلند کرد و با لحنی خشک گفت: اجازه دهید اعتراف کنم من به هیچ دینی عقیده ندارم. فهمیدم که چه در ذهنش گذشته، دنبال جمله‌ای مناسب ذهنیت و منطق و شرایط او می‌گشتم. گفتم: سوکارنو رئیس‌جمهور اندونزی در کنفرانس باندونگ گفت: ملاک اتحاد ملت‌های عقب‌مانده، نه وحدت دینی و نه وحدت تاریخی و فرهنگی و امثال آن، بلکه وحدت نیاز است. مسائل، یکی است و سرنوشت، نامعلوم، و دین نباید میان من و شما جدایی بیندازد. انتظار این پاسخ را از من نداشت. دیدم تغییر در چهره‌اش آشکار شد، خیلی هم باز شد و با ما گرم گرفت. بعد به او گفتم: شما استراحت کن و ما نماز می‌خوانیم.» [۳] ما در ادامه‌ی انقلاب و حضور تاریخی خود در این زمانه نیاز به چنین سعه‌ی صدری داریم تا بدون آن‌که بخواهیم جهان را مسلمان کنیم، جهان از آن ما باشد. مثل مردم غزه که در موردشان گفته‌اند شیعیانی‌اند که دست‌بسته نماز می‌خوانند، زیرا عقل و قلب‌شان شیعه است.

۱۱. نظر به اسمای الهی و مظاهر آن و عبور از مفاهیم، عاملی است تا انسان با حقایق اسماء در آینه‌ی مخلوقات روبه‌رو شود. قرآن در آیات ۳۶ و ۳۷ سوره‌ی جاثیه می‌فرماید: «فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَ رَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ & وَ لَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» این یعنی کمالات الهی که مورد حمد قرار می‌گیرند و کبریایی او را در همین آینه‌های مخلوقات که در زمین و آسمان هستند بنگریم و در همین مخلوقات با حقیقت مأنوس شویم.

۱۲. قرآن در رابطه با تحمل سایر ملل و سایر افکار، به پیامبر خدا «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» می‌فرماید: «قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ» (جاثیه/۱۴) ای پیامبر! به مؤمنین بگو نسبت به آن‌هایی

که امیدی به ایام الله ندارند، اغماض داشته باشد و به آنها گیر ندهد. و این حکایت از آن دارد با آن‌هایی که مانند مسلمانان به برزخ و قیامت و یا به ایام الله حاکمیت حق در جهان امیدوار نیستند، باید اغماض نمود.

۱۳. قرآن اهل کتاب را به جای دعوت به اسلام، به توحید دعوت می‌فرماید و می‌گوید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا» و در راستای پذیرش حضور متدینین اهل کتاب می‌فرماید: «لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَ هُمْ يَسْجُدُونَ & يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يُأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ أُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ» (آل عمران/ ۱۱۳ و ۱۱۴). و نیز در سوره نساء آیه ۱۶۲ می‌فرماید: «لَكِنَّ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَ الْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَ مَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَ الْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَ الْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ الْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا».

آیات فوق همه حکایت از آن دارد که اسلام بنا دارد در سعی توحیدی با سایر ملل به گفتگو بنشیند.

۱۴. در مورد اهل سنت از امام صادق «علیه السلام» داریم: «إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ بَابٌ يَدْخُلُ مِنْهُ النَّبِيُّونَ وَ الصَّادِقُونَ وَ بَابٌ يَدْخُلُ مِنْهُ الشُّهَدَاءُ وَ الصَّالِحُونَ وَ خَمْسَةَ أَبْوَابٍ يَدْخُلُ مِنْهَا شِيعَتُنَا وَ مُحِبُّونَا فَلَا أَرَاكَ عَلَى الصِّرَاطِ أَدْعُو وَ أَقُولُ رَبِّ سَلِّمْ شِيعَتِي وَ مُحِبِّي وَ أَنْصَارِي وَ مَنْ تَوَلَّانِي فِي دَارِ الدُّنْيَا فَإِذَا النَّدَاءُ مِنْ بُطْنَانِ الْعَرْشِ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكَ وَ شَفَعْتَ فِي شِيعَتِكَ وَ يُشَفَّعُ كُلُّ رَجُلٍ مِنْ شِيعَتِي وَ مَنْ تَوَلَّانِي وَ نَصَرَنِي وَ حَارَبَ مَنْ حَارَبَنِي بِفِعْلٍ أَوْ قَوْلٍ فِي سَبْعِينَ أَلْفَ مِنْ حِيرَانِهِ وَ أَقْرَبَائِهِ وَ بَابٌ يَدْخُلُ مِنْهُ سَائِرُ الْمُسْلِمِينَ مِمَّنْ شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَمْ يَكُنْ فِي قَلْبِهِ مِقْدَارُ ذَرَّةٍ مِنْ بُغْضِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» (الخصال، ج ۲، ص: ۴۰۸) بهشت هشت در دارد؛ يك در از آن پیغمبران و صدیقان است، يك در از آن شهیدان و صالحان است، و از پنج در شیعیان و صدیقان ما داخل می‌شوند، من پیوسته بر سر صراط ایستاده و درخواست می‌کنم؛ پروردگارا! شیعیان و دوستان و یاران مرا و کسانی که مرا در دنیا به ولایت شناخته اند، سالم دار. يك بار آوازی از شکم عرش می‌رسد که درخواست تو پذیرفته شد، شفاعت تو درباره شیعیان قبول شد، هر تن از شیعیان من و کسانی که ولایت مرا پذیرفته و مرا به گفتار یا کردار یاری کرده و با دشمنانم جنگیده‌اند، هفتاد هزار تن از همسایگان و خویشان خود را می‌توانند شفاعت کرد؛ از يك در دیگر مسلمانان دیگری که خدا را به یگانگی شناخته و ذره ای دشمنی ما خاندان در دلشان نیست وارد می‌شوند.

راوی از ابی‌جعفر «علیه السلام» سؤال می‌کند وضع موحدین که اقرار به نبوت حضرت محمد «صلی الله علیه و آله» دارند ولی اهل گناه هستند و امامی ندارند و ولایت را نمی‌شناسند، پس از مرگ چگونه است؟ حضرت فرمودند: «أَمَّا هَؤُلَاءِ فَإِنَّهُمْ فِي حُفْرِهِمْ لَا يَخْرُجُونَ مِنْهَا فَمَنْ كَانَ لَهُ عَمَلٌ صَالِحٌ وَ لَمْ يَظْهَرْ مِنْهُ عَدَاوَةٌ فَإِنَّهُ يُحَدُّ لَهُ حَدًّا إِلَى الْجَنَّةِ الَّتِي خَلَقَهَا اللَّهُ بِالْمَعْرِبِ فَيَدْخُلُ عَلَيْهِ الرُّوحُ فِي حُفْرَتِهِ

إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَلْقَى اللَّهَ فَيَحَاسِبُهُ بِحَسَنَاتِهِ وَ سَيِّئَاتِهِ فَمَا إِلَى الْجَنَّةِ وَ إِمَّا إِلَى النَّارِ فَهَؤُلَاءِ الْمُؤَقُّوْنَ لِأَمْرِ اللَّهِ» (بحار الأنوار، ج ۶۹، ص: ۱۵۸). امام «عليه السلام» فرمودند: آن‌ها در قبرهای خود خواهند ماند و از آن‌جا بیرون نخواهند گردید، هرکدام از آن‌ها که کارهای نیک انجام داده باشند و عداوت و عنادی از آنها ظاهر نشده باشد از قبر او راهی به طرف بهشتی که خداوند در مغرب آفریده است باز می‌گردد و تا قیامت روح و بشارت به قبر او می‌رسد، تا روز قیامت برپا شود، در آن هنگام در پیشگاه عدل خداوندی حاضر می‌گردد و به حساب کار او می‌رسند و خوبها و بدی‌های او را در نظر می‌گیرند، در این‌جا یا به طرف بهشت می‌روند و یا به طرف دوزخ رهسپار می‌شوند، وضع این‌ها بستگی به امر خداوند دارد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

در ضمن کلیپی در فضای مجازی هست که آقای امید دانا اعتراف می‌کند که از خودم شرمنده هستم از آن جهت که امام خمینی را درست نشناختم. بد نیست سری هم به آن کلیپ بزنید. موفق باشید